



چرا مسیح علی‌نژاد به پایتخت منافقین رفت

عکس با عابر بانک جدید!



فرهنگ‌یختگان امانوئل مکرون به مسیح علی‌نژاد رسید.

رئیس‌جمهور فرانسه روز جمعه در جریان دیداری که تحت‌عنوان گفت‌وگو با فعالان زن ایرانی ترتیب داده شده بود، با افرادی مانند مسیح علی‌نژاد خبرنگار صدای آمریکا، لادن برومند، شیما بابایی و همچنین رویا مجیدی دیدار کرد. کاخ ریاست‌جمهوری فرانسه (الیزه) می‌گوید این جلسه همزمان با مجمع صلح پاریس برگزار شده‌است. رئیس‌جمهور فرانسه در جریان این دیدار در اقدامی مخاصمه‌جویانه از اغتشاشات اخیر ایران به‌عنوان انقلاب یاد کرد؛ موضوعی که نشان‌دهنده نیت کشورهای غربی در براندازی ایران و تجزیه آن است. تقریباً یک‌هفته پیش از اظهارات مکرون، جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در روز ۱۳ آبان، به تعدادی از هواداران خود گفته بود: «ما ایران را آزاد می‌کنیم،» هرچند مقامات دولت آمریکا پس از آن برای حفظ وجهه واشنگتن تلاش کردند با تفسیر سخنان بایدن از قدرت نرم کشورشان دفاع کنند اما اظهارات جدید مکرون افشاکننده هدف و خواست محور غربی است. مکرون در این دیدار با تمجید از اغتشاشگران و تجزیه‌طلبان گفته است: «بر احترام و ستایش خود برای انقلابی که رهبری می‌کنند تأکید می‌کنم،» مسیح علی‌نژاد نیز از فرانسه درخواست کرد ضمن به‌رسمیت شناختن وقوع یک انقلاب در ایران، از این پس به جای دیدار با مقامات دولتی ایران، آنها را به‌عنوان مقامات دولت سکولار آینده در تهران، طرف مشورت قرار دهد. گفته می‌شود این دیدار را گروه «عدالت برای کردها، ترتیب داده است.

۱۱۱

هدف چیست؟

جبهه غربی از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ در بالاترین سطح خواهان براندازی در ایران بود. در هدف دوم یا میانی این جبهه قصد داشت با گسترش درگیری‌ها در داخل ایران، تهران را به‌شدت تضعیف کند. در پایین‌ترین هدف نیز غرب تلاش داشت در صورت ناکامی در دو هدف پیشین خود، با مشغول‌سازی ایران، ضرباتی به منافع آن وارد سازد. شکست در براندازی، ناکامی در گسترش درگیری در ایران و همچنین نگاه تیزبین تهران به منافعش در منطقه باعث شد تا غرب در هر سه هدف خود شکستی بزرگ را تجربه کند. فرانسه در حال حاضر که اهداف سطح‌بندی شده غرب با شکست مواجه شده‌اند، به‌دنبال استفاده از بازمانده این طراح‌ی جهت تضعیف وجهه بین‌المللی ایران است که در آن دست پاریس برای اقدام ضد تهران بازر است.

اروپا قصد هویت‌بخشی سیاسی به اپوزیسیون و ایجاد چهارجوبی دولتی برای آنها دارد تا بتوانند سیاست خارجی ایران را تحت‌تاثیر قرار دهند. صحبت از ایجاد شورای اپوزیسیون و حضور نماینده مردم ایران خواندن نازنین بنیادی در یکی از جلسات شورای امنیت در همین راستا صورت گرفته‌اند.

چرا فرانسه به این وضع دچار شده؟

دیدار رئیس‌جمهور فرانسه با هیأتی از مخالفان ایران تحت‌عنوان فعالان زن و اظهارات رادیکال مکرون در این گفت‌وگو نشان‌دهنده ناتوانی پاریس در پیگیری برنامه‌هایش در ارتباط با منطقه و ایران است. فرانسه علی‌رغم اعمال تحریم‌های سنگین علیه ایران در همراهی با آمریکا موفق به مهار برنامه منطقه‌ای، موشکی و هسته‌ای تهران نشده است و از سویی دیگر ابزاری نیز برای اعمال فشار بیشتر به آن ندارد؛ موضوعی که موجب‌شده مکرون در حوزه محتوایی با اظهارات رادیکال و در حوزه شکلی با دیدار با ورشکستگان دیدار روز جمعه پاریس، به‌دنبال ابزارسازی علیه تهران باشد. علی‌رغم اقدامات انفعالی فرانسه از سیاست جدید پاریس نمی‌توان به‌راحتی عبور کرد؛ پاریس سابقه‌ای جنایتکارانه در تاریخ جهان دارد و تاکنون میلیون‌ها تن را در سراسر جان به کام مرگ فرستاده است.

تاریخ پرخون فرانسه در جهان

نام فرانسه با استعمار، خونریزی، آشوب و سرکوب عجین است. پاریس جنگ‌طلبان و جنایتکاران بزرگی همانند ناپلئون بناپارت، شارل دوگل و لوئی چهاردهم را به‌خود دیده‌است که در کنار کشتار عظیم مردم فرانسه، دیگر ملت‌ها را نیز به خاک و خون کشیده‌اند. در تاریخ معاصر فرانسه افراد دیگری نیز پیدا می‌شوند. فرانسوا میتران که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ رئیس‌جمهور فرانسه بود یکی دیگر از افرادی است که با فروش تسلیحات مرگبار فرانسوی در کشتار ملت‌هایی مانند ایران و عراق نقش داشته است. تسلیحاتی که دولت او به حکومت صدام حسین فروخت باعث مرگ صدها هزار تن در ایران و عراق شد.

خشونت تاریخی فرانسه در دهه‌های اخیر نیز از شدت زیادی برخوردار بوده‌است. پاریس از سال ۲۰۱۵ تاکنون ۱۵ دور اعتراضات را پشت‌سر گذاشته است. تنها در جریان اعتراضات جلیقه‌زدها در اثر شدت برخورد نیروهای امنیتی فرانسه دست‌کم چند ده معترض کشته شدند.

بازخوانی ریشه‌های خشونت‌عریان فرانسه در سراسر جهان نشان می‌دهد، استعمار، سلطه بر کشورها و منابع‌شان سنتی دیرینه در پاریس است.

سابقه استعمارگری فرانسه

فرانسه برای مدت‌هایس از انگلیس، دومین قدرت استعمارگر جهان به‌شمار می‌رفت. پاریس در سال ۱۵۲۴ استعمارگری خود را آغاز کرد و همانند دیگر قدرت‌های استعمارگر آن دوره مانند پرتغال، اسپانیا، انگلیس و هلند سلطه بر سرزمین‌های واقع در قاره آمریکا که اروپاییان تازه به آن راه یافته بودند و همچنین آسیا و آفریقا را در دست‌توکار قرار داد. فرانسه در دوره نخست استعمارگری خود پیشروی‌های گسترده‌ای در کشورهای آمریکا و کانادای فعلی داشت اما این کشور پس از شکست در جنگ هفت‌ساله که از ۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳ طول کشید، بخش بزرگی از نفوذ خود را در قاره آمریکا و شبه‌قاره هند از دست داد. با این حال پاریس همچنان در بخش‌های کوچکی از قاره آمریکا در گوینا، هائیتی و لوئیزیانا سلطه داشت. هائیتی به‌دنبال انقلاب بردگان که از ۱۷۹۱ تا ۱۸۰۴ طول کشید از فرانسه استقلال گرفت.

ناپلئون بناپارت که در آن زمان حاکم فرانسه به‌حساب می‌آمد با توجه به شورش در هائیتی و احتمال از دست‌رفتن لوئیزیانا به دلیلی مشابه با حمله آمریکا، در سال ۱۸۰۳ این منطقه را به واشنگتن فروخت. آمریکا با پرداخت ۱۵ میلیون دلار که در اوایل قرن نوزدهم ارزش بالایی داشت موفق شد به‌طور رسمی بر مناطقی به وسعت ۲٫۱۴۰٫۰۰۰ کیلومتر مربع دست یابد. فرانسه براساس نقشه‌های معتبر میان استعمارگران، صاحب این سرزمین‌ها بود اما خود صرفاً بر بخش‌هایی از لوئیزیانا تسلط

داشت اما به دلیل توافقات استعماری دارای حق حاکمیت بر سرزمین‌های بیش از دو میلیون کیلومتر مربعی بود که همچنان در آن قبایل سرخ‌پوست حضور داشتند. با اتمام کامل نقشه‌های کلان استعمارگرانه فرانسه در آمریکا و هند، این کشور آفریقا، غرب آسیا و منطقه هند و چین در شرق آسیا را نقاط ثقل استعماری خود قرار داد. این مساله باعث شد فرانسه در دوره دوم استعماری خود بیش از یک‌سوم قاره آفریقا را به مدت ۳۰۰ سال تحت تسلط خود بگیرد.

۲ اشغال الجزایر تا انقلاب خونین الجزایر
الجزایر در سال ۱۸۳۰ به اشغال فرانسه درآمد. الجزایر پیش از حضور فرانسوی‌ها توسط حاکمان محلی ای اداره می‌شد که از امپراتوری عثمانی اطاعت می‌کردند. پاریس پس از اشغال الجزایر به دلیل نزدیکی بسیار زیاد سواحلش به خاک اصلی فرانسه با آن همانند یک منطقه استعماری برخورد نکرد بلکه پس از مدتی این منطقه را به خاک اصلی خود ملحق ساخت. از این پس الجزایر استانی فرانسوی به‌حساب می‌آمد. به تبع

تجزیه عثمانی

فرانسه در قرن نوزدهم الجزایر و تونس را که تحت کنترل عثمانی بودند، اشغال کرد. پاریس روند دخالت‌های خود در عثمانی را پس از آن نیز ادامه داده و دامنه‌اش را به غرب آسیا کشاند. فرانسوی‌ها به بهانه حمایت از مسیحیان به‌دنبال حضور در فلسطین و لبنان بودند. شکست عثمانی در جنگ جهانی اول فرصت بی‌بدیلی در اختیار فرانسه قرار داد تا بتواند به شکل رسمی به سرزمین‌هایی در غرب آسیا دست یابد. پاریس پس از شکست عثمانی در سال ۱۹۱۸ به‌طور رسمی لبنان و سوریه را به‌اشغال درآورد و به‌دنبال تصرف سرزمین‌هایی در خاک اصلی ترکیه و حتی شمال غرب عراق بود. با این حال فرانسه نتوانست نفوذ خود در خاک اصلی ترکیه و شمال غرب عراق را حفظ کند و مستعمراتش به فرانسه و لبنان محدود ماندند.

دخالت در مکزیک

فرانسه در سال ۱۹۶۱ با همراهی انگلیس و اسپانیا به مکزیک حمله کرد؛ هرچند قوای متحدان فرانسه در مکزیک کاری از پیش نبردند اما پاریس با اشغال نیمی از خاک مکزیک موفق شد دولت مرکزی این کشور را ساقط کند.

دلیل حمله فرانسه به مکزیک تلاش رئیس‌جمهور وقت این کشور بنیتو خوارز برای کوتاه کردن دست اروپاییان از منافع کشور بود. پاریس نیز قصد داشت از طریق اشغال مکزیک ضمن تسلط بر معادن و بازار این کشور، بر بازار کشورهای آمریکای لاتین نیز مسلط شود.

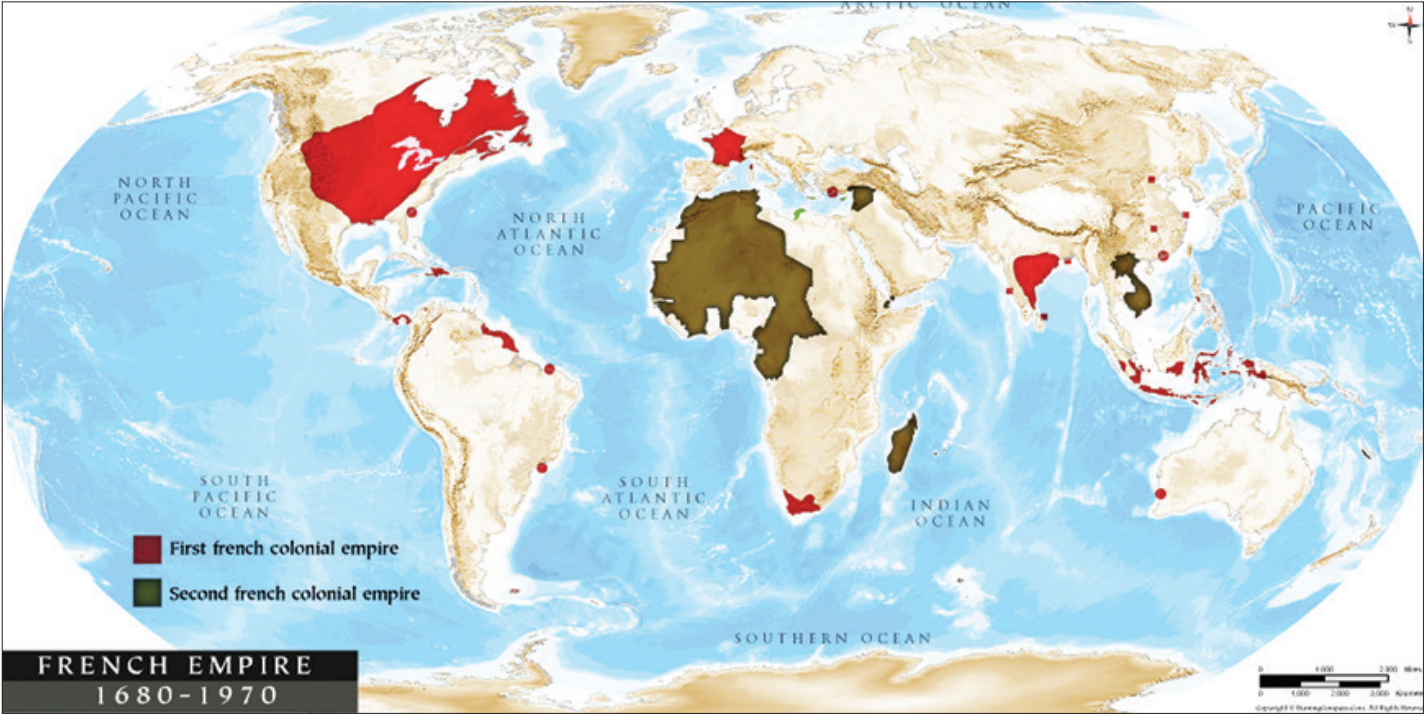
جنگ داخلی آمریکا بین سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ مانع از ابزار مخالفت جدی این کشور به تهاجم فرانسه شد. با این حال پاریس به‌دلیل مقاومت مکزیک‌یی‌ها در سال ۱۸۶۶ به‌طور کامل در این کشور شکست خورد.

حضور نظامی در سوریه برای تجزیه

فرانسه یکی از طراحان بزرگ بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ تاکنون بوده است. بسیاری از معارضان شاخص دولت سوریه در فرانسه حضور داشتند و تلاش کردند از طریق فعالیت‌های بین‌المللی، ضمن تضعیف وجهه دولت سوریه و ازبین بردن مشروعیت بین‌المللی آن، به‌شورشیان داخلی نیز انگیزه بدهند. با آشکار شدن ماهیت تروریستی گروه‌هایی که غرب آنان را شورش می‌خواند و همچنین برطرف شدن خطر سقوط نظام سوریه، فرانسه به بهانه مقابله با گروه‌های تروریستی در حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب کردی وارد شرق سوریه شد. نیروهای فرانسوی هم‌اکنون در پایگاه‌هایی در شمال سوریه مستقر هستند.

حضور نظامی در کشورهای ساحل آفریقا

ناتو در ساقط کردن دولت لیبی با حملات گسترده موشکی و هوایی نقشی بزرگ داشت. با سقوط دولت مرکزی لیبی ده‌ها هزار نظامی این دولت به گروه‌های شبه‌نظامی پیوسته و صدها هزار اسلحه نیز به‌دست این گروه‌ها و قبایل شمال آفریقا رسید. فرانسه که در کنار انگلیس و آمریکا سه ستون ناتو را در حمله به لیبی تشکیل می‌داد، با متشنج شدن اوضاع در کشورهای ساحل آفریقا به‌ویژه مالی در سال ۲۰۱۳ به بهانه مبارزه با تروریسم هزاران نیروی نظامی خود را به این کشور اعزام کرد. با این حال این حضور نظامی در سایه مخالفت دولت مالی در تابستان سال جاری پس از ۹ سال به پایان رسید. پاریس در زمان حضورش در این منطقه قصد داشت نظام جدیدی از سلطه نظامی را به منطقه ساحل تحمیل کند اما با وجود تلاش‌هایش، از انجام آن بازماند.



گستره استعمارگری فرانسه در جهان



کردها پیشران فعالیت ضدکشورهای منطقه در اروپا

درصد از جمعیتش را کردها تشکیل می‌دهند، تاکنون درگیر مساله کردها در اروپا بوده است. این گروه‌ها ضمن ایجاد اشکال در فعالیت‌های دیپلماتیک ترکیه، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای گروه‌های جدایی‌طلب و تروریست کرد و مشروعیت‌زدایی از وجهه بین‌المللی آنکارا، در دولت‌های اروپایی علیه ترکیه لابی‌گری می‌کنند.

ترکیه پس از آغاز جنگ اوکراین و تلاش سوئد و فنلاند برای پیوستن به ناتو، با استفاده از رای وتوی خود در این خصوص سعی کرد دولت این دو کشور را برای مهار کردها تحت فشار قرار دهد، موضوعی که نشان‌دهنده اهمیت بزرگ فعالیت‌های این گروه‌ها در حمایت از آشوب در غرب آسیاست.

گروه‌های تروریستی کردی از طریق شبکه‌هایشان در اروپا دست به جمع‌آوری کمک‌های مالی زده و سپس از این مبالغ برای پرداخت حقوق مزدوران، خرید اسلحه و به خدمت گرفتن تروریست‌ها بهره می‌گیرند.

از سویی دیگر بخشی از آنها به پارلمان‌های ملی و محلی کشورهای اروپایی راه یافته و با سوءاستفاده از این جایگاه‌ها به دنبال کشاندن کشورهای میزبان‌شان به منازعات غرب آسیا هستند.

البته نمی‌توان فعالیت گروه‌های تروریستی و جدایی‌طلب کرد در اروپا را بدون چراغ‌سبز قدرت‌های غربی دید. درحقیقت آنها با فسادهی به جریانات کردی به دنبال متمرکز ساختن توان آنها جهت ایجاد آشوب در غرب آسیا هستند.